

ماجراهای

دانلد داک

انگشتر مومیایی
و دو قصه‌ی دیگر





تورا خدا، برای ما

هم ...

یک قصه بخوان ...

عمو دانلد!

هر وقت من می‌خواهم برای دل خودم کاری بکنم، شما مزاحم می‌شوید.

انگشتر مومیایی



مدیر بخش آثار موزه مصر نگران است!
 هاکم البوتاریس اصرار دارد که
 مومیایی‌های اجدادش را پس بگیرد!

نماد روی تابوت‌ها، که به شکل سر سه مار است، قدمت دیرینه این مومیایی‌ها را تأیید می‌کند!

گفته می‌شود که «کوله بون»، بازرگان سرشناس، این مومیایی‌ها را در سال ۱۸۳۸ و در سفری به مصر خریداری کرده‌است.



پس دست کم ...

بگو که ...

چیزی درباره مومیایی‌های موزه خودمان!

چی می‌خوانی!



در روزنامه نوشته بود که چهار هزار سال پیش اگر کسی آرامش مومیایی‌ها را به هم می‌زد یا چیزی از اشیاء و هدیه‌های داخل مقبره‌هایشان می‌دزدید، دچار نفرین ابدی فرعون می‌شد و به هیچ شکلی هم نمی‌توانست از بدبختی آن نفرین خلاص شود. یعنی چنین چیزی ممکن است حقیقت داشته باشد؟



هی پسر!

باید چنین چیزی را ...

برویم و ببینیم!

آره، ولی امروز آخرین روزی است که این مومیایی‌ها را به نمایش می‌گذارند. فردا آن‌ها را به مصر می‌فرستند.